

Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه شصت و یکم

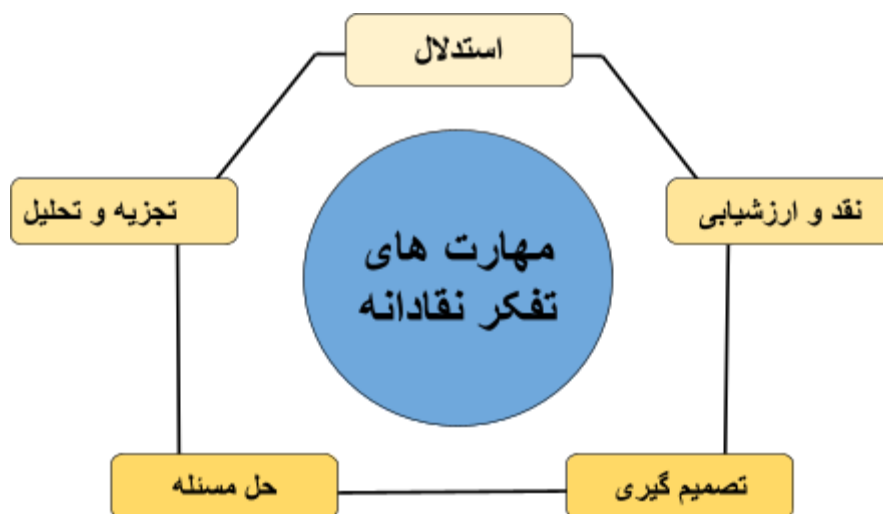
Reasoning

استدلال

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مقدمه: در دو جلسه گذشته در باره دوگانه اندیشی صحبت کردیم. قبل از شروع به بحث پیرامون استدلال و انواع آن به یک نکته مهم اشاره می کنیم. برخی دوگانه سازی های فرضی-خیالی برای ذهن بخصوص در مورد کودکان بسیار مضر هستند. قرار دادن ذهن کودک در این حالت های فرضی روان او را پریشان می کند.

اینگونه حالت های فرضی را در تفکر تابو می دانند. بابات رو بیشتر دوست داری یا مامانت را؟ اگر کشتی در حال غرق شدن باشد همسرت را نجات می دهی یا مادرت را؟ فکر کردن به این وضعیت های فرضی، کاری غیر عقلانی است. اینها مواردی است که باید از اندیشیدن به آنها دوری کرد چون برای ذهن زیانبارند. اینها پرسش ها و افکار غیر عقلانی هستند. **Counterfactuals are irrational.**



مهارت های اصلی تفکر نقادانه

مغز انسان واجد یک سری توانایی ها و قابلیت های سخت افزاری درون نهاد است که به مجموع آنها در اصطلاح تفکر گفته می شود. از جمله این توانایی ها، مفهوم سازی، طبقه بندی و آنالیز، به یادسپاری و استنتاج است. بعضی ها به این قابلیت عقل میگویند. در حالی که وقتی ما می گوئیم عقل منظورمان مجموعه دانش و تجربیات انسان است. همان چیزی که در زبان انگلیسی به آن می گویند **wisdom**. اینکه گفته میشود مغز میتواند استنتاج (**inferencing**) کند، یعنی برداشت و نتیجه گیری کند.

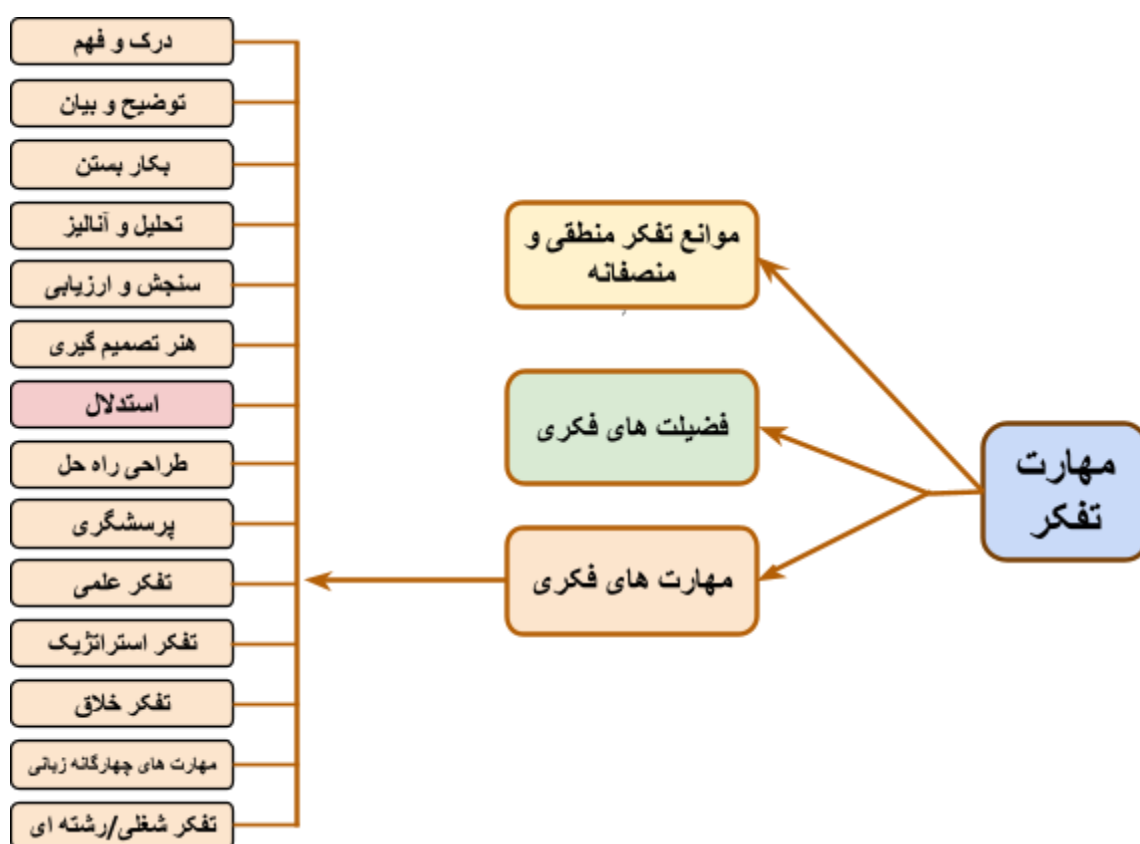
مغز بر اساس ایده هایی که از راه حواس یا عقل برای آن ساخته می شود، ایده های جدیدی را با فرایند استنتاج خلق میکند. مثلا وقتی متوجه میشویم که ماشین با استارت روشن نمی شود، شروع میکنیم ایده هایی را مطرح کردن، مثلا شاید بنزین ندارد، استارت خراب شده و نظایر آن.

یا مثلا وقتی متوجه میشوید که دوستی مدتی با شما تماس نگرفته است مغز شما سریع یک یا چند ایده جدید می سازد و مثلا نتیجه میگیرد که شاید از دست من دلخور است، یا شاید خیلی این روزها سرش شلوغ است و یا هر چیز دیگری. با مشاهده اینکه سگ همسایه امروز بیش از حد سروصدا میکند ذهن بیکار نمی نشیند و نتیجه میگیرد که مثلا گرسنه است یا ترسیده یا هر چیز دیگری. لازم است همواره توجه داشته باشیم که مغز بیکار نمی نشیند و دائما از ایده ها و رویدادها و اطلاعات با حدس و گمان برای خودش نتیجه گیری میکند و ایده های جدیدی می سازد.

استدلال یا گواه آوری (reasoning) ترکیب نظام مند دو یا چند گزاره است برای رسیدن به گزاره ای جدید. با این کار قضایایی که برای ما به ظاهر معلوم است را در کنار هم قرار میدهم و از آنها به نتیجه جدید می رسیم.

استدلال معمولاً دارای دو یا چند گزاره به عنوان مقدمه و یک نتیجه است. گزاره هایی که به عنوان مقدمه استفاده می شوند دلیل نتیجه گیری هستند. کیفیت استدلال بستگی به کیفیت قضایای استفاده شده و نحوه نتیجه گیری از آنها بستگی دارد. استدلال ممکن است سالم یا معیوب باشد. اگر گزاره هایی که به عنوان مقدمه استفاده می کنیم کاذب باشند استدلال غلط و مغالطه آمیز خواهد بود. استدلالی درست است که گزاره هایی که به عنوان مقدمه استفاده می کنیم درست و صادق باشند.

یک مهارت کلیدی در تفکر نقادانه این است که هم استدلال سالم را از استدلال معیوب بشناسیم و هم خود بتوانیم به درستی و بدون مغالطه که میتواند عمدی یا سهوی باشد استدلال کنیم.



اهمیت یادگیری استدلال:

افراد در زندگی خود معمولاً استدلال‌های نادرستی انجام می‌دهند و براین اساس به نتیجه‌گیری‌های نادرستی می‌رسند که ممکن است برای ذهن و روان آنها یا تصمیم‌هایی که می‌گیرند مضر باشد.

کسی که با خود این فکر و اندیشه را حمل می‌کند که چون در ازدواج اولم موفق نبودم در ازدواج دوم نیز ناموفق خواهم بود. این نتیجه‌گیری به هیچ عنوان پشتوانه منطقی ندارد. حتی اگر کسی چند بار در کاری شکست خورده باشد مثلاً در شغل‌های گوناگون موفق نبوده، دلیل محکمی که در شغل جدید هم ناموفق باشد نخواهد بود. بسیاری از دانشمندان و مخترعین بعد از اینکه بارها شکست می‌خورند، بالاخره به کشف و اختراع جدید دست پیدا می‌کنند.

در پژوهش‌های به عمل آمده نشان داده شده است که افرادی که مسائل ریاضی پیچیده را حل می‌کنند و جذر و لگاریتم می‌گیرند، در استدلال ممکن است ضعیف عمل کنند. برای هرکس لازم است تا بتواند استدلال را به شکل صحیح انجام دهد و اگر استدلالی معیوب و مغالطه‌آمیز بود از آن اجتناب کند و اگر احیاناً دیگری استفاده کرد قربانی آن نشود. لازم است استدلال را یاد بگیریم و روی کاغذ آن را تمرین کنیم.

در بحث فضیلت‌های فکری گفتیم یکی از خصلت‌های لازم برای انسان این است که در مقابل دلیل و برهان خاضع و سر به زیر باشد. انسان به طور طبیعی چنین گرایشی ندارد و می‌خواهد حرف خود را به کرسی بنشاند. ابتدا باید این خصلت یعنی اعتماد به دلیل و برهان و استدلال را در خود ایجاد کنیم.

از ضروریات اهل دلیل و استدلال بودن این است که حتی سخن بزرگان و به اصطلاح اهل فن را نیز بدون دلیل قبول نکنیم. بعضی‌ها با استناد به اینکه چون فلان شخصیت گفته پس من این سخن را می‌پذیرم دچار خطا می‌شوند. می‌گویند الف مساوی با ب است چون ایکس اینگونه فرموده است. ملت‌ها و اقوام بسیاری بخاطر همین موضوع به ورطه تباهی کشیده شده‌اند. برای انسان متفکر، دلیل و استدلال فصل الخطاب است نه شخص. شخص پرستی آفت تفکر و اندیشه ورزی است. کسی را بزرگ بدانیم که دلایل بهتری دارد نه چون جایگاه و مقامی دارد. باید به تناسب مدعای خود دلیل داشته باشد.

باید مراقب سوگیری‌های اعتقادی و تاییدی باشیم. گرایش ذهن انسان به قبول نتیجه بدون موشکافی مقدمات. اگر نتیجه بحث من در راستای فکر شما باشد شما به دلایل خیلی حساسیت نشان نمی‌دهید مثلاً اگر شما طرفدار ترامپ باشید و من نتیجه‌گیری کنم او

سیاستمدار توانایی است از من خوششان می آید و بالعکس. ذهن انسان در حالت دیفالت آنقدر منطقی نیست که با استدلال قانع شود. انسان بیش از آنکه به دنبال دلیل باشد در جستجوی تایید است. تلاش می کند با سوگیری تاییدی برای باورهای خود تایید پیدا کند.